

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان
برگردان از: سیلویا بیژن- Sylvia Bejanian
۱۶ اپریل ۲۰۱۹



تی یری میسان

شکسته شدن ملل متحد به علت "استثنا گرایی" ایالات متحده

ایالات متحده در برابر رقبای روس و چینی خود ضعیف شده ، از این رو به سمت عکس العمل های تاریخی خود باز می گردد . در روابط خارجی ، از نظام لیبرال بین الملل خارج شده و به سمت دکترین استثنائگرایی هم سو شده است . در شورای امنیت ، از تعهد خود سر باز زده و به سمت شکستن ساختار های حقوق بین الملل و پایان دادن به ملل متحد می باشد . این تحول که برای کشورهای اروپای غربی تکان دهنده است ، آنها را با تنگی ها و اختلالاتی مواجه کرده که پیش از این توسط روسیه و چین پیش بینی شده بود و برای مقابله با آن خود را آماده کرده بودند .

ولتر شبکه | دمشق (سوریه) | ۱۵ اپریل ۲۰۱۹



در ۲۶ ماه مارچ ۲۰۱۹ ، ایالات متحده از تعهد خود در شورای امنیت سر باز می زند و با این عمل استثنائگرایی خود را تأیید می کند ، و حاکمیت اسرائیل بر تصرفات بلندی های جولان را به رسمیت می شناسد

جان بولتون، سفیر سابق پرزیدنت بوش پدر در ملل متحد و مشاور امنیت ملی دولت پرزیدنت ترامپ ، از مخالفان شاخص ویژه ملل متحد می باشد . برای او هیچ کس و هیچ مسأله ای نمی تواند با کشورش مخالفت کند . از این رو ، پنج عضو دائم

شورای امنیت در نیویورک یک دفتر راهنمای جهانی را تشکیل می دهند که حقوق بین ملت ها را تعیین می کند ... اما قادر نیست هیچ موردی را به ایالات متحده تحمیل نماید .

نظریه استثنائگرایی، متعلق به واشنگتن بوده، حتا در محتوایی که کسی در جهان متوجه آن نبوده است [۱]. امروزه ، در چارچوب بین المللی خاصی ظاهر شده ، و در حال دگرگون سازی جهانی است که ما تا کنون شناخته ایم .

"استثنائگرایی" ایالات متحده به اسطوره "پدران زائر" باز می گردد : پیوریتن ها ، که در انگلستان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و آنها را متعصبان خطرناک می نامیدند ، از این رو به کشور هالند پناهنده شدند ، سپس سوار بر کشتی می فلاور در سال ۱۶۲۰ به امریکا مهاجرت نمودند . در آنجا جماعتی نوین تشکیل دادند که بر اساس ترس از خداوند بنا شد . آنها نخستین ملت "دموکراتیک جهان" بودند ، به صورت "نوری در بالای تل و تپه" ، برای ایجاد روشنایی در جهان . ایالات متحده برای یک عده به صورت یک "نمونه" و برای عده ای دیگر یک "مأموریت الهی" به حساب می آمد تا جهان را تابع اراده خداوند نمایند .

هر چند واقعیت های تاریخی با این روایت بسیار متفاوت اند ، اما در حال حاضر موضوع بحث ما نیست .

از دو قرن پیش ، تمامی رؤسای جمهور ایالات متحده، بدون استثنا، به این دروغ تاریخی تن داده اند .

■ که به دنبال آن : حاضر به معامله کردن ، امضاء و اختیار نمودن تعهداتی به همراه استثنائاتی شدند ، تا بتوانند آنها را در قوانین داخلی خود وارد نکنند .

■ آنها بر این عقیده بودند که تابع "اراده ی خداوند" می باشند ، در حالی که دشمنانشان با سر باز زدن از او ، به شدت باید محکوم شوند (استانداردهای دوگانه)، آنها

■ هر گونه نظام قضائی بین المللی را که می تواند در امور داخلی آنها تأثیر بگذارد ، نفی می کنند

این رویه به سوء تفاهمی انجامید، چرا که اروپائیان به آزاد اندیشی خود می بالند، در حالی که برای درک دیگران کوشش نمی کنند . از این رو معتقداند عدم پیوستن ایالات متحده به پیمان پاریس در ارتباط با آب و هوا، ناشی از تاریک اندیشی پرزیدنت ترمپ می باشد . در حالی که این موضع گیری واشنگتن در گذشته بوده است . پیمان پاریس در سال ۲۰۱۵ ، به دنبال پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ بسته شد و واشنگتن آن را نپذیرفت : ایالات متحده ، با وجود مشارکت در رونوشت این پیمان، آن را اجراء نکرد – چرا که در پی آن ملزم به تحمیل رفتار خاصی به شهروندان خود می شد . پرزیدنت کلینتن حاضر به مذاکره در مورد مستثنی هائی شد ، که ایالات متحده آن نیز را نپذیرفت . از این رو پروتکلی امضاء نمود و آن را برای تصویب به سنا فرستاد . سنا آن را با رأی حداکثر نمایندگان -جمهوری خواه و دموکرات رد کرد . این بهانه ای شد تا او مذاکرات را از سر بگیرد . این عدم پذیرش مواردی از قوانین بین المللی که در قوانین داخلی قابل اجراء می باشند ، به مفهوم پس زدن اهداف پروتکل کیوتو و پیمان پاریس در ارتباط با کاستن آلودگی آتموسفریک نمی باشد – همچنین به مفهوم رد مقررات نیست ، بلکه ایالات متحده این موارد را در قوانین داخلی خود اجرائی نمی کند .

در هر حال ، استثنائگرایی ایالات متحده نشان می دهد که این کشور یک "ملت استثنائی" است . این کشور خود را به صورت یک نمونه دموکراسی در داخل مرزهای خود به حساب می آورد ، اما حاضر نیست با دیگران برابر باشد ، از این رو هرگز آنها را کشورهای دموکراتیک به حساب نمی آورد . به هنگام جنگ سرد ، کشورهای متحد ترجیح می دادند تا این خصلت فرهنگی را نادیده بگیرند ، در حالی که دشمنانشان به آن توجه می کردند . فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، و سقوط غرب ، زمانی که جهان تک قطبی شد ، همچنان این خصلت را کسی مورد بحث قرار نداد . اما ، در حال حاضر ، این موضوع کلیه ساختارهای امنیت جهانی را به خطر انداخته .

باید توجه داشت که در جهان تنها دو کشور دارای دکترین استثناگرا می باشند: اسرائیل و عربستان سعودی. در این چارچوب باید به مسأله حاکمیت بلندی های جولان پرداخت، و دانست که چگونه باعث شعله ور شدن آتش شده است.

ایالات متحده و بلندی های جولان

در پی جنگ شش روزه (۱۹۶۷) اسرائیل بلندی های جولان را اشغال کرد. ماده ۲۴۲ شورای امنیت بر "عدم تملک سرزمینی در اثر جنگ" تأکید دارد و دستور داده تا "نیروهای نظامی اسرائیلی از مناطق اشغالی" خارج شوند [۲]. در ۱۹۸۱، کنست تصمیم گرفت تا به طور یک جانبه از این پیمان خارج شود و بلندی های جولان را به اشغال خود در آورد. شورای امنیت با ماده ۴۹۷ به آن پاسخ داد، و اعلام نمود "قانون اسرائیلی پوچ و باطل است و هیچ تأثیر حقوقی به لحاظ بین المللی" ندارد [۳].

به مدت ۳۸ سال، ملل متحد نتوانست آرای خود را به اجراء بگذارد، و کسی این موضوع را مورد بحث قرار نداد، و ایالات متحده پیوسته از اسرائیل حمایت کرد.

با این حال در ۲۶ ماه مارچ ۲۰۱۹، ایالات متحده حاکمیت اسرائیل را بر بلندی های جولان اشغالی به رسمیت شناخت که به مفهوم تملک زمین هائی است که در اثر جنگ اشغال شده اند. [۴]. با این عمل، ایالات متحده منکر آرای خود در شورای امنیت در ارتباط با بلندی های جولان طی ۵۲ سال و اصول چارچوب ملل متحد گردید [۵]، که به مدت ۷۴ سال، قوانین بین الملل را تنظیم می کند.

ملل متحد تا سال های طولانی وجود خواهد داشت، هر چند آرای آن تنها ارزشی نسبی خواهند داشت و نمی توانند تصمیم گیرندگان آن را وادار به عمل نمایند. این روند آغاز شالوده شکنی حقوق بین الملل می باشد. از این رو ما وارد دورانی می شویم که در آن قانون قوی تر اجراء خواهد شد، همانگونه که در جنگ جهانی اول اتفاق افتاد و منتهی به تشکیل جامعه ملل گردید.

تا کنون، حتا در شورای امنیت، مشخص بود که سخنان ایالات متحده تنها از ارزش نسبی برخوردار می باشد. به خصوص پس از سخنان کذب کولین پاول وزیر امور خارجه این کشور در ۱۱ ماه فیبروری ۲۰۰۳، در ارتباط با مسؤولیت عراق در حوادث ۱۱ سپتمبر و دارا بودن این کشور به سلاح های کشتار جمعی خطرناک برای کشورهای غربی [۶]. اما، این برای نخستین بار است که ایالات متحده رأی خود را در شورای امنیت رد می کند.

واشنگتن، علت تصمیم خود را در مواجهه با این حقیقت می داند: چرا که از سال ۱۹۶۷، بلندی های جولان از سوی اسرائیل اشغال شده است و از سال ۱۹۸۱ کلیه امور داخلی مربوط به این منطقه مانند بخشی از سرزمین اشغالی خود را در آن انجام می دهد. به علت استثناگرایی ایالات متحده، این واقعیت در ارتباط با متحدی که ترس از خدا دارد، فرا تر از قوانین بین الملل می باشد، که متحدان کج اندیش با آن مخالفت می کنند.

همچنین، واشنگتن بر این باور است که پس پیوستن بلندی های جولان به سوریه که متشکل از گانگسترهای آدم کش می باشد، مناسب نیست. و باید از متحد ویژه خود حمایت کند. برای واشنگتن، دکترین استثناگرایی که "نظیر آن وجود ندارد"، به صورت یک حق و رسالت می باشد.

ایالات متحده پس از حاکمیت خود بر جهان، ضعیف شده و از ملل متحد چشم پوشی می کند. و برای حفظ موقعیت خود، به سمت بخشی از جهان رو می آورد که همواره آن را در کنترل خود داشته است. روسیه و چین ایالات متحده را بنا بر تصور سرگئی لاوروف، به صورت جانور دمنش رو به احتضار می پنداشتند که باید آن را به سمت مرگ

مشایعت نمود ، تا بیش از این فاجعه نیافریند . اما ایالات متحده ، با انتخاب دونالد ترامپ سقوط خود را متوقف نمود . دونالد ترامپ با از دست دادن اکثریت رأی اتاق نمایندگان ، با دولت عمیق ائتلاف ایجاد کرد (انتخاب الیوت آبرامز این موضوع را تأیید می کند) [۷] . همچنین ، رد اتحاد مخفی با دشمن که توسط رابرت مولر طرح شده بود [۸] ، به نفع او بوده است .

واقعیت موجود نشان می دهد که جهان به سوی سازمان جهانی سومی گام بر نمی دارد ، بلکه جهان در حال تقسیم شدن به دو منطقه می باشد که به لحاظ قانونی با یک دیگر متفاوت می باشند . بخشی که تحت حاکمیت ایالات متحده است ، و دیگری کشورهایی که تحت حاکمیت اورآسیای بزرگ می باشند . تفاوتی که این موضوع با زمان جنگ سرد دارد ، در دورانی که سفر از شرق به غرب و متقابلاً ، مشکل بود و تنها با پذیرش قوانین حقوقی ملل متحد امکان پذیر می شد ؛ سیستم نوین اجازه می دهد تا در این دو بخش سفر و تجارت آزاد باشد ، اما در این صورت نیز دو رویه حقوقی اجراء خواهد شد .

سرگئی لاوروف در ۲۸ ماه سپتمبر ۲۰۱۸ ، در تریبون مجمع عمومی ملل متحد [۹] این جهان پسا غربی را بدرستی معرفی کرده بود .

بازگردیم به پیروزی اسرائیل ناشی از اعلام تعلق بلندی های جولان از سوی ایالات متحده به این کشور اشغالی . عربستان پس از مدتی ، این موضوع را نپذیرفت و آن را متهم نمود . این موقعیت در چارچوب دکترین سعودی ها و ملت این کشور نمی گنجد . به همین علت نیز آنها نمی تواند "معامله قرن" را در ارتباط با فلسطین بپذیرند .

آیا ایالات متحده تغییر کرده است ؟

رسانه ها به خود اجازه پیش بینی در مورد پایان ملل متحد و تقسیم جهان به دو بخش حقوقی را نمی دهند . از آنجائی که درک حوادث برای آنها مشکل است ، آنها به ذکر موقعیت پوپولیستی دونالد ترامپ و تغییراتی که در ایالات متحده پدید آورده و نظام لیبرال بین المللی را از میان برداشته ، بسنده می کنند .

با این عمل آنها تاریخ را فراموش کرده اند . پرزیدنت وودرو ویلسون یکی از مهندسان اصلی جامعه ملل بوده است که پس از جنگ جهانی اول به وجود آمد . اما از آنجائی که که چارچوب آن بر پایه عقاید برابری ملت های آریستید بریان و لئون بورژوای فرانسوی بوده است ، با استثناگرایی ایالات متحده تقابل داشته . به این علت نیز ایالات متحده هرگز با آن هم سو نبوده است .

به عکس ملل متحد که مهندس آن پرزیدنت روزولت بوده است ، مجمع دموکراتیک ایالات متحده را به سمت مدیریت جهانی هدایت کرده . شورای امنیت نیز که از سیستم نظام دولتی کنگره وین (۱۸۱۵) الهام گرفته ، امکان حضور و مشارکت ایالات متحده را هموار کرده است .

اما ، از آنجائی که ایالات متحده قادر به حاکمیت بر چین و روسیه نمی باشند و دلیلی برای مشارکت با این دو دولت ندارند ، از سیستم ملل متحد خارج خواهند شد .

برای کشورهای قدرتمند غربی که به مدت ۷۴ سال از این سیستم استفاده نمودند ، گریه و زاری برای خروج ایالات متحده بسیار مضحک است . بهتر است از خود سؤال کنند که چگونه چنین سازمان کج قواره ای درست شده است . چرا که جامعه ملل ، برابری را میان کشورها سازمان دهی کرده بود ، اما برابری میان ملت ها را نمی پذیرفت . ملل متحد کوشید تا نظام اخلاقی جهانشمولی را پایه ریزی نماید ، در حالی که وجود جهانشمول انسان ها را نادیده انگاشت .

مراجعات:

(Michael Ignatieff, Princeton University Press (2005), *American Exceptionalism and Human Rights* [1]
 .novembre 1967 ٢٢, Réseau Voltaire, « [Résolution 242 du Conseil de sécurité de l'ONU](#) » [2]
 .décembre 1981 ١٧, Réseau Voltaire, « [Résolution 497 du Conseil de sécurité](#) » [3]
 ,by Donald Trump, ”[US Proclamation on Recognizing the Golan Heights as Part of the State of Israel](#)“ [4]
 .March 2019 ٢٩, Voltaire Network
 ,juin 1945 ٢٩, Réseau Voltaire, « [Charte des Nations unies](#) » [5]
 Réseau ,parties), par Colin L. Powell ٧) « [Discours de M. Powell au Conseil de sécurité de l'ONU](#) » [6]
 .février 2003 ١١, Voltaire
 Elliott Abrams est un des fondateurs du mouvement des néo-conservateurs. C'était donc un adversaire du [7]
 projet de Donald Trump, même si celui-ci l'a longuement reçu au début de son mandat. Surtout, Abrams était un
 des responsables de l'État profond qui géra l'affaire Iran-Contras. Sa nomination en charge du dossier
 vénézuélien doit être interprétée comme le signe d'un accord en le président Trump et l'Etat profond pour
 .étendre au Bassin des Caraïbes la stratégie militaire Rumsfeld/Cebrowski
 Robert Mueller fut directeur du FBI. À ce titre, il inventa la fable des 19 pirates de l'air prétendument [8]
 responsables des attentats du 11 septembre 2001. Rappelons que les listes des passagers embarqués, diffusées
 dès le crash des avions par United Airlines et American Airlines, ne comportent aucun des noms cités par
 ,«[Listes des passagers et membres d'équipage des quatre avions détournés le 11 septembre 2001](#)» : Mueller. Cf
 septembre 2001. Ces individus ne se trouvant pas à bord des avions ne pouvaient pas les ١٢, Réseau Voltaire
[L'Effroyable Imposture suivi](#) .détourner et Robert Mueller a donc couvert les véritables auteurs de ces attentats
 .Thierry Meyssan, Editions Dem-Lune, 2002, [de Le Pentagate](#)
 by Sergey, ”[Remarks by Sergey Lavrov to the 73rd Session of the United Nations General Assembly](#)“ [9]
 Sylvia, September 2018 ٢٨, Voltaire Network, Lavrov
 Bejanian, شبکه ولتر. ٩ اکتوبر ٢٠١٨, [www.voltairenet.org/article2](#)